

Ten Year Programs Actions of the Organization of Islamic Cooperation and International Peace and Security

Received: 07/11/2016; Accepted: 13/02/2017 Sayed Mostafa Mirmohammadi¹

Abstract:

At the early years of the new millennium, the Organization of Islamic Cooperation (OIC) has ratified two ten programs of action in order to meet political, economic, cultural and religious challenges in the Muslim nation and its relation with the international community. First ten-year program of action (TYPOA) terminated at 2015 and second ten program has been approved for 2016 to 2025. This article aims to present the effect of these two TYPOA of OIC on international and regional peace and security. It concluded that these programs are considered as steps of OIC towards UN purposes and principles and also it can be added as a kind of peace building process in the OIC member states. From the view point of negative peace, OIC not only was not successful to settle regional conflicts, but it prepared the intervention of great powers in the region. Increasing the disputes between more effective Islamic states lead to more weakness of the Organization of Islamic Cooperation

Keywords: International Organization, Organization of Islamic Cooperation, Ten-year program of action, International peace and security.



برنامه‌های عمل ده‌ساله سازمان همکاری اسلامی، صلح و امنیت بین‌المللی

تاریخ دریافت ۹۵/۰۸/۱۷ - تاریخ پذیرش ۹۵/۱۱/۲۵ سیدمصطفی میرمحمدی^۱

چکیده

در سال‌های آغازین قرن حاضر، سازمان همکاری اسلامی در پاسخ به چالش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی موجود در میان امت اسلامی و در روابط با جامعه بین‌المللی دو برنامه عمل ده ساله تنظیم کرده است تا دولت‌های عضو به آنها عمل کنند. برنامه عمل اول در سال ۲۰۱۵ پایان یافت و برنامه عمل دوم از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ پیش‌بینی شده است. مقاله حاضر، به هدف بررسی تأثیر دو برنامه عمل ده-ساله بر صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای به این نتیجه می‌رسد که این برنامه‌ها نمود و جلوه‌ی همگامی سازمان همکاری اسلامی با اهداف و اصول ملل متحد است و می‌توان آنها را گامی در جهت ایجاد صلح میان دولت‌های عضو سازمان دانست. اما از منظر صلح منفی و فقدان جنگ، سازمان همکاری در حل بحران‌های منطقه‌ای موفق نبوده و حتی زمینه مداخله و نفوذ قدرت‌های بزرگ را فراهم کرده است. تشدید اختلاف میان دولت‌های پرنفوذ و مؤثر این سازمان، به تضعیف بیشتر آن خواهد انجامید.

واژگان کلیدی: سازمان‌های بین‌المللی، سازمان همکاری اسلامی، برنامه عمل ده‌ساله، صلح و امنیت بین‌المللی.





مقدمه

پیامدهای چالش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی بر صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، انکارناپذیر است. سازمان همکاری اسلامی که در ساختار کنونی جامعه بین‌المللی نهادی شناخته شده است که در راستای حمایت از منافع جوامع اسلامی برای حفظ و توسعه صلح بین‌المللی شمرده می‌شود، از سال ۲۰۰۵ تا کنون به تنظیم دو «برنامه عمل» همت کرده است و در آن، به چالش‌های سیاسی فرهنگی و مذهبی جوامع اسلامی توجه کرده است. سازمان در نظر دارد از طریق همبستگی اسلامی، جمعیت یک و نیم میلیاردی مسلمانان را در پوشش مفهوم امت اسلامی راهبری کند.

برنامه عمل اول که برای سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ پیش‌بینی شده بود توجه دول عضو را معطوف به مقابله با چالش‌های امت اسلامی و اقدام مشترک در توسعه تساهل و میانه‌روی، اصلاحات گسترده از جمله در علم و فناوری، آموزش، تقویت تجارت، حاکمیت مطلوب و توسعه حقوق بشر در جهان اسلام به‌ویژه در مورد حقوق کودکان، زنان و سالخورده‌گان کرده است. برنامه عمل دوم نیز با پوشش دادن بسیاری از اهداف همان برنامه عمل اول و برای ادامه آن در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ در نظر گرفته شد.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که سهم دو برنامه عمل سازمان همکاری، در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای چه خواهد بود و چه موانعی بر سر راه تحقق این برنامه‌ها وجود دارد؟ در مقام ارائه پاسخ پرسش نخست، مروری کوتاه بر پیشینه و عملکرد سازمان طی بیش از پنج دهه فعالیت آن خواهیم داشت، و در ادامه، فهرست کلی دو برنامه عمل با تأکید بر تأثیر آن بر صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی و تحلیل خواهد شد. فرضیه پژوهش این است که دو برنامه عمل سازمان، بازتاب و خوانشی از اهداف و اصول ملل متحد است و از این نگاه، گام مهمی به شمار می‌آید اما از سوی دیگر نشان می‌دهد سازمان، خود فاقد ابتکار درونی بایسته برای حل بحران‌های منطقه‌ای اسلامی است.





۱. از سازمان کنفرانس اسلامی تا همکاری اسلامی

معروف است سازمان کنفرانس اسلامی در پی آتش زدن مسجد الاقصی به دست جوانان متعصب یهودی و نیز شکست اعراب در جنگ با اسرائیل در سال ۱۹۶۷ شکل گرفت (Tadjini, 2012: 37). سرآغاز تشکیل این سازمان، نشست مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ سران ۲۴ کشور اسلامی از جمله ایران در رباط مراکش است. اما در سه سال اول فعالیت فاقد منشور بود تا سرانجام پس از مباحثات طولانی توسط کنفرانس وزیران خارجه در مارس ۱۹۷۲ تصویب شد و در ۲۸ فوریه ۱۹۷۳ لازم الاجرا گردید (احسان اوغلو، ۱۳۹۲: ۹۲؛ Castillo, 2014: 4). نام و نشان سازمان کنفرانس اسلامی در نشست ۳۸ وزیران امور خارجه در آستانه قزاقستان در سال ۲۰۱۱ به نام و نشان کنونی - یعنی «سازمان همکاری اسلامی» - تغییر کرد.

اکنون با گذشت چهل و هشت سال از نشست رباط، این سازمان مدعی است با عضویت ۵۷ عضو از چهار قاره جهان و دارا بودن بیش از ۴۸ رکن اصلی و فرعی و آژانس‌های تخصصی، دومین سازمان بین‌المللی جهانی پس از سازمان ملل متحد است.^۱ فدراسیون روسیه، تایلند، بوسنی و هرزگوین و نیز سازمان ملل متحد، جنبش غیرمتعهدها، اتحادیه افریقا و اتحادیه عرب در این سازمان از وضعیت ناظر برخوردارند. از نیمه دوم قرن بیستم، دو گرایش عمده در میان تعدادی از دول عربی وجود داشت. نخست گرایشی که باعث شکل‌گیری اتحادیه عرب در سال ۱۹۴۵ شد و در آن ملی‌گرایی و سکولاریسم غلبه داشت؛ دیگری گرایشی که باعث شکل‌گیری سازمان کنفرانس اسلامی شد. این سازمان را نشان تقابل پان‌اسلامیسم و پان‌عربیسم می‌دانند (Farrar, 2014: 38; Akhtar, 2002: 62; Tadjini, 2012: 792). هم از این رو، جمال عبدالناصر با ایده سازمان اسلامی مخالف بود و آن را ایده‌ای می‌دانست که آیزنهاور - رئیس‌جمهور وقت آمریکا - پس از دیدار ابن سعود از آمریکا از وی خواسته است (قربانی و سیمبر، ۱۳۹۰: ۱۷۷).





۱۴۹). عبدالناصر این سازمان را شکلی از پیمان ارتجاعی می‌دانست که در نظر دارد با حمایت عربستان سعودی، از فعالیت‌های براندازانه‌ی جنبش اخوان المسلمین حمایت کند (Thomas, 1985: 81). به نظر او استفاده از ظرفیت حج به عنوان یک کنفرانس عمومی دانشمندان جهان اسلام و سران کشورهای اسلامی برای تحقق این هدف، کافی است. (Akhtar, 2002: 73). پس از نشست سال ۱۹۷۰ وزیران خارجه در جدّه، ۲۲ کشور اسلامی تصمیم گرفتند در نشست‌های سالانه درباره توسعه حقوق بین‌الملل و پیامدهای آن بر جهان اسلام با یکدیگر تبادل نظر کنند. (Hashmi, 1997: 52-53, 71-72, 1985:81; Thomas 82;

تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی، بیش از همه مرهون حمایت مالی عربستان سعودی است و بودجه آن بیشتر از سوی این پادشاهی پرداخت شده است. در سال‌های بین ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۱، مبلغ ۹۶ میلیارد دلار از سوی سعودی به تعدادی از کشورهای عضو به صورت وام و یا امتیازهای اقتصادی پرداخت شد تا با سیاست‌های این کشور همسو گردند. کشور عربستان سعودی، مقرر مهم‌ترین ارکان سازمان و مؤسسات تخصصی وابسته به آن است، که از جمله می‌توان از مجمع فقه اسلامی، بانک توسعه اسلامی، صندوق وقف، آژانس خبرگزاری بین‌المللی اسلامی و موسسه بین‌المللی بانک‌های اسلامی نام برد (Tadjini, 2012: 38). دبیر کل فعلی نیز از اتباع عربستان سعودی است.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تحولی سیاسی در جهان اسلام است. برآمدن قدرت در ایران با تکیه بر اسلام و مکتب تشیع، انتظارات بزرگی در جوامع اسلامی ایجاد کرد و برخی از جوامع غربی و منطقه‌ای را نگران ساخت. این نگرانی باعث شد تا برخی از حکومت‌ها، یا به اصلاحات سیاسی روی آورند و یا آن که اعتراضات را سرکوب کنند. به عنوان نمونه، در عراق علاوه بر سرکوب مردم با حمایت غرب، جنگ خونینی علیه ایران آغاز شد که سرانجام آن به تقویت و انسجام ایران انجامید (Castillo, 2014: 2-3). انقلاب ایران تقابل پان‌اسلامیسم سعودی در برابر پان‌عربیسم ناصریسم در سازمان کنفرانس اسلامی را دگرگون کرد. این بار، عربستان سعودی پرچمدار پان‌عربیسم در برابر گرایش فزاینده پان‌اسلامیسم ایرانی شد (Sheikh, 2003: 64). کشورهای اسلامی در نشست فوق‌العاده





وزیران خارجه در سال ۱۹۸۰ در اسلام‌آباد، به موضوع افغانستان پرداختند که آن زمان در اشغال شوروی بود. آنان از شوروی (سابق) خواستند نیروهای خود را از افغانستان خارج کند و همچنین مداخله دولت‌های قدرتمند در امور داخلی کشورهای اسلامی را محکوم کردند. گرچه سوریه و یمن در این نشست غائب بودند اما آنها اقدام شوروی را به مثابه حفظ انقلاب افغانستان می‌دانستند و بر این باور بودند که در واقع سازمان سیا و آمریکا در این کشور مداخله می‌کند. (Thomas, 1985: 82-83)

این نشست، نمونه‌ای از همراهی دول عضو سازمان کنفرانس اسلامی با سیاست‌های یکی از دو بلوک شرق و یا غرب بود. پس از دوران جنگ سرد و نیز در بحران‌های کنونی نیز سازمان شاهد مداخلات و نفوذ قدرت‌های بزرگ در کشورهای اسلامی است، که این وضعیت در بحران‌های موجود کنونی در سوریه، یمن و بحرین نیز مشهود است.

در منشور ۱۹۷۲ و ۲۰۰۸ سازمان کنفرانس اسلامی و نیز از طریق قطعنامه‌های متعدد، با استفاده از ادبیات و اصول حقوق بین‌الملل، مانند اصل عدم توسل به زور، عدم مداخله در امور داخلی، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی، بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای تأکید شده است. به طور مشخص، در قطعنامه پایانی نشست قاهره در ۱۹۹۰، از اصل عدم توسل به زور و اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، به عنوان پیش‌شرط لازم و اساسی برای امنیت کشورهای اسلامی تعبیر شده است^۱ و همین عبارت در سی و ششمین نشست وزیران خارجه سال ۲۰۰۹ در سوریه تکرار شده است. مطابق ماده ۱(۵) منشور ۲۰۰۸ سازمان، مصوب کنفرانس یازدهم سران در سنگال، «کلیه دولت‌های عضو در

¹به عنوان نمونه ر.ک. به Kuala Lumpur Declaration on International Terrorism, adopted at the extraordinary session of the Islamic Conference of Foreign Ministers on terrorism, 1-3-April 2002, Para.14/ Dakar Declaration, Sixth Islamic Summit Conference, (Session of Al-Quds Al-Sharif, Concord and Unity) Dakar, Republic OF Senegal, 9-11 December, 1991.

²The Nineteenth Islamic Conference of Foreign Ministers (Session of Peace, Interdependence and Development), was held in Cairo, Arab Republic of Egypt, from 9-14 Muharram 1411H, corresponding to 31 July to 5 August 1990 Para.31.

³The Thirty-Sixth Session of the Council of Foreign Ministers (Session of Enhancing Islamic Solidarity), held in Damascus, Syrian Arab Republic from 23-25 May 2009, RES/1/36-POL on the situation in the Republic of Iraq, para.3.





حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مشارکت خواهند داشت و از مداخله در امور داخلی یکدیگر مطابق این منشور و منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه خودداری خواهند نمود.»

پیوند میان منشور سازمان کنفرانس اسلامی و منشور ملل متحد، در منشور جدید بیشتر انعکاس یافته است. «احسان اوغلو» دبیرکل سابق که در کارنامه خود تجربه سی سال همکاری رسمی با این سازمان را دارد بازنویسی کامل منشور سازمان کنفرانس اسلامی را یک ضرورت دانست. در این میان، سهم «نییل العربی» قاضی سابق دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان یکی از اعضای گروه مشاوران دبیرکل، در تبعیت منشور جدید از مدل سازمان ملل بسیار است. هم او بود که «بخش حکمرانی مطلوب و دموکراسی» را در منشور جدید پیشنهاد داد. پس از تهیه پیش‌نویس توسط گروه مشورتی، کمیته‌ای از حقوقدانان در سال ۲۰۰۷ که محمدجواد ظریف - نماینده دائم وقت ایران در سازمان ملل متحد - از جمله‌ی آنان بود، این پیش‌نویس را نهایی کردند و برای دولت‌های عضو ارسال نمودند. (احسان اوغلو: ۱۳۹۲: ۹۳، ۹۸ و ۹۹)

مطابق ماده ۲ (۱) کلیه دولت‌های عضو، متعهد به اهداف و اصول منشور ملل متحدند و مطابق ماده ۳ (۲) قبول عضویت در این سازمان منوط به دارا بودن اکثریت مسلمان و عضویت در سازمان ملل متحد است. گویا عضویت در سازمان ملل متحد، پیش‌شرط عضویت در سازمان همکاری اسلامی است.

منشور جدید سازمان همکاری اسلامی همچنین در مقدمه، بر مشارکت در صلح و امنیت بین‌المللی، تفاهم و گفتگوی میان تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان، توسعه و تشویق روابط دوستانه، احترام متقابل و همکاری تصریح دارد و از دیگر ادبیات زایج در گفتمان سازمان ملل متحد مانند توسعه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، حکومت مطلوب، حاکمیت قانون، دموکراسی و پاسخگویی، حمایت از حقوق زنان و مشارکت آنان در همه بخش‌های زندگی، استفاده کرده است.^۱



¹See Preamble of OIC Charter 2008, Pp.6, 7 and 15.



روشی که منشور جدید سازمان همکاری اسلامی در تعامل با حقوق بین‌الملل در پیش گرفته است نشان می‌دهد دولت‌های اسلامی در استفاده از ابزارهای حقوق بین‌الملل برای همبستگی و وحدت امت اسلامی از یک سو، و ایفای نقش مثبت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از دیگر سو، گام‌های بیشتری برداشته‌اند. افزون بر این، سازمان در راستای هدف اساسی خود، یعنی توسعه و تقویت روابط دوستانه و همبستگی میان دولت‌های عضو، بر تداوم برنامه‌های عمل ده‌ساله و تقویت سازکارهای اجرایی آن تأکید دارد؛ موضوعی که مقاله حاضر، در ادامه به آن می‌پردازد.

۱-۱. برنامه عمل اول (۲۰۰۵-۲۰۱۵)

پیامدهای منفی چالش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی بر صلح، امنیت، همبستگی و توسعه دول عضو، سران دولت‌های اسلامی را به برگزاری نشست فوق‌العاده در مکه، از نهم تا یازدهم سپتامبر ۲۰۰۵ کشاند. حاصل این نشست - که در آن، رئیس‌جمهور وقت ایران نیز حضور داشت - تصویب اولین منشور آبی و برنامه عمل ده‌ساله است که دولت‌های عضو تلاش دارند از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ آن را محقق سازند. این برنامه با عنوان «برنامه سازمان کنفرانس اسلامی در رویارویی با چالش‌های امت اسلامی در قرن ۲۱» در دو محور کلی تنظیم شده است: محور اول با عنوان «سیاسی-فکری» به چالش‌هایی چون اراده سیاسی، همبستگی، میانه‌روی و اعتدال، تکثر و تعدد مذاهب، تروریسم و اسلام‌هراسی، حقوق بشر، فلسطین، حل و فصل اختلافات و اصلاح ساختار سازمان کنفرانس اسلامی می‌پردازد. محور دوم نیز با عنوان «توسعه، اجتماعی، اقتصادی و علمی» به مواردی مانند همکاری اقتصادی، حمایت از بانک توسعه اسلامی، همبستگی برای مقابله با بلایای طبیعی، کاهش فقر در آفریقا، آموزش عالی، حقوق زنان، کودکان و جوانان پرداخته است. گرچه این برنامه سال ۲۰۱۵ پایان یافت اما محورهای آن به عنوان پایه برنامه عمل ده‌ساله‌ی بعدی محفوظ مانده است. از این رو، مناسب است در ادامه مهم‌ترین برنامه‌ها و اهداف ذیل هر دو محور بررسی شود.





۱-۱-۱. چالش‌های سیاسی و فکری

برنامه عمل اول، زیر عنوان «برنامه سیاسی- فکری» به چالش‌های متعددی اشاره کرده است که برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها از قرار زیر است:

۱-۱-۱-۱. اراده سیاسی

به باور تدوین‌کنندگان برنامه عمل، اراده سیاسی در رویارویی با چالش‌های سیاسی و فکری امت اسلامی در صورتی تحقق می‌یابد که دولت‌های عضو:

- اراده سیاسی لازم برای تبدیل آرمان‌های مورد انتظار به واقعیتی ملموس را نشان دهند و یکدیگر را به اجرای کامل قطعنامه‌ها و مقررات منشور سازمان تشویق کنند.

(TYPOA,2005,Section 1.Para I and II)

۱-۱-۱-۲. دین میانه‌روی و اعتدال

برای تحقق این هدف، دول عضو موارد زیر را مد نظر قرار می‌دهند:

- تلاش برای نشر افکار و خوانش‌های صحیح از اسلام به عنوان دین میانه‌روی، اعتدال، مدارا، و تمسک به ارزش‌ها، باورها و اصول اسلامی به هدف صیانت مسلمانان از افراطی‌گری و کوتاه‌بینی.

- محکومیت افراطی‌گری در هر نوع آن، که با ارزش‌های انسانی و اسلامی ناسازگار است. حل ریشه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افراطی‌گری از طریق برنامه‌های توسعه، حل اختلافات سیاسی طولانی، تفکر، اقناع و موعظه حسنه.

- تأکید بر گفتگوی تمدن‌ها بر اساس احترام و فهم متقابل، و برابری ملت‌ها، که در دستیابی به صلح، امنیت جهانی، مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز امری لازم است.

- تشویق بر گفتگوی میان‌ادیان با تأکید بر ارزش‌های مشترک.

(TYPOA,2005, Section.1 Para. III)

این بند گویای آن است که همه مشکلات جوامع اسلامی از بیرون آن ناشی نمی‌شود بلکه این جامعه در درون خود نیز با چالش‌ها و موانعی بر سر راه برداشت درست از اسلام در مقیاس منطقه‌ای و جهانی روبرو است. برنامه عمل ۲۰۰۵، چاره‌جویی واقع‌بینانه‌ای در رویایی با افراطی‌گری اندیشیده است. گفتگوی تمدن‌ها بر پایه احترام، گامی در جهت





صلح و امنیت و نیز اعتدال و میانه‌روی است که نتیجه‌ی آن، توسعه روابط مسالمت‌آمیز خواهد بود. ایده «گفتگوی تمدن‌ها» در اسناد سازمان همکاری اسلامی، از آثار کنفرانس هشتم سران در تهران (۱۹۹۷) و زمان ریاست دوره‌ای ایران بر این سازمان است. (قربانی و سیمبر، ۱۳۹۰: ۳۳۶-۳۳۴)

۱-۱-۱-۳. تعدد مذاهب

- نیاز به تقویت گفتگوی بین مذاهب اسلامی و مسلمان دانستن پیروان مذاهب، احترام به جان، حیثیت و مال آنان، عدم تکفیر آنان به خداوند و پیامبر اسلام (ص) باور دارند و ارکان اسلام را محترم داشته و منکر ضروریات آشکار دین نیستند.

- محکومیت فتاوایی که از سوی افراد فاقد صلاحیت صادر می‌شود. (Ibid, Section.1, Para. IV)

این بند بازتابی از تقریب بین مذاهب اسلامی است که سهم آن در صلح و امنیت و نیز همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان مذاهب در جوامع اسلامی، پرواضح و آشکار است.

۱-۱-۱-۴. مبارزه با تروریسم

- محکومیت تروریسم در همه اشکال آن و رد هرگونه توجیه و تجویز آن، و این که تروریسم پدیده‌ای جهانی است که به هیچ دین یا جنس یا رنگ یا سرزمینی ارتباط ندارد.

- ایجاد تغییر در قوانین داخلی دولت‌های عضو و جرم‌انگاری اقدامات تروریستی و حمایت و تشویق بر آن.

- التزام به معاهده ضد تروریسم سازمان کنفرانس اسلامی و همکاری بین‌المللی در این باره

- حمایت از توسعه کدهای رفتاری بین‌المللی در مبارزه با تروریسم. (Section I, (Ibid, Para VI)

۱-۱-۱-۵. مبارزه با اسلام‌هراسی

برنامه عمل، در مقابله با پدیده اسلام‌هراسی، موارد ذیل را به دولت‌های عضو توصیه می‌کند:





- تأکید بر مسئولیت جامعه بین‌المللی و کلیه حکومت‌ها بر تضمین احترام به همه ادیان و مبارزه با توهین به ادیان
- نیاز به مقابله با اسلام‌هراسی از طریق تأسیس مرکز نظارت در دبیرخانه سازمان برای شناسایی انواع اسلام‌هراسی، صدور گزارش سالیانه و تضمین همکاری سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی (NGOs) برای مقابله با اسلام‌هراسی
- تلاش برای صدور قطعنامه از سوی ملل متحد در مقابله با پدیده اسلام‌هراسی و دعوت از همه دولت‌ها به وضع قوانین و اقدامات پیشگیرانه در مقابله با این پدیده.
- ابتکار گفتگوی منظم و مداوم به هدف برجسته ساختن ارزش‌های حقیقی اسلام و مشارکت دولت‌های اسلامی در مقابله با افراطی‌گری و تروریسم (Section.1, Para. (TYPOA,2005, VII

در عمل به این بند، سازمان کنفرانس اسلامی با رصد کردن اشکال متعدد اسلام‌هراسی در تعدادی از کشورهای اروپایی و آمریکا و کانادا و برخی دیگر مناطق جهان، مبادرت به تهیه ۹ گزارش از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ کرده است. از نظر سازمان، دامن زدن به اسلام‌هراسی همانا رفتاری معارض با صلح و امنیت بین‌المللی، و بهانه‌ای برای گسترش خشونت است.^۱

۱-۱-۱-۶. حقوق بشر و حکمرانی مطلوب

- تلاش جدی برای توسعه مشارکت سیاسی، تضمین برابری و آزادی‌های مدنی و عدالت اجتماعی، پاسخگویی، شفافیت و جلوگیری از فساد در دول عضو سازمان
- امکان‌سنجی ایجاد رکن مستقل و دائمی برای بهبود حقوق بشر در دولت‌های عضو از سوی کنفرانس وزیران مطابق اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره
- تکلیف دبیرخانه سازمان به همکاری با دیگر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای تضمین حقوق جمعیت‌های مسلمان در دول غیرعضو سازمان (Para.VIII (TYPOA,2005,



¹Available at: http://www.oic-oci.org/page/?p_id=182&p_ref=61&lan=en Visited at: 5 February 2017.



مطابق برنامه پیش‌بینی شده، کمیسیون مستقل دائمی حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ در نشست سی هشتم وزیران خارجه در قزاقستان تأسیس شد؛^۲ که خود گامی در توسعه ادبیات و مفاهیم حقوق بشر و سازوکار اجرایی آن در این سازمان است. این کمیسیون، به مثابه هیئت کارشناسان مشورتی و به عنوان رکنی که به طور مستقل به موضوع حقوق بشر در این سازمان پردازد، تأسیس شده است. کمیسیون مزبور، متشکل از ۱۸ عضو است که بر اساس تقسیم جغرافیایی شش عضو از هر کدام از مجموعه آفریقایی، عربی و آسیایی انتخاب می‌شوند. پس از معرفی کاندیداهای مورد نظر توسط دول عضو، اعضای کمیسیون توسط شورای وزیران خارجه به مدت سه سال که برای یک بار قابل تجدید است انتخاب می‌شوند.^۳

۱-۱-۱-۷. فلسطین و اراضی اشغالی

در برنامه عمل ده‌ساله موضوع فلسطین و سرزمین‌های اشغالی بدین گونه مورد توجه قرار گرفته است:

- به‌کارگیری تمام توان برای پایان‌دادن به اشغال اراضی فلسطین از سال ۱۹۶۷، درخواست عقب‌نشینی کامل اسرائیل از بقیه اراضی لبنان و حمایت از حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین و ایجاد دولت مستقل فلسطین به مرکزیت سیاسی قدس شریف.
- اتخاذ موضع واحد در حل فراگیر قضیه فلسطین مطابق با قطعنامه‌های سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل متحد، قطعنامه (۱۹۴) مجمع عمومی، طرح صلح عربی، نقشه راه از طریق هماهنگی و مشاوره با ملل متحد و کمیسیون چهارجانبه بین‌المللی، به گونه‌ای که عقب‌نشینی کامل شرط روابط عادی با اسرائیل باشد و نقش بیشتر به سازمان کنفرانس اسلامی در تحقق صلح اعطا شود.
- تأکید بر اهمیت قضیه قدس برای امت اسلامی و تثبیت حقوق فلسطین در آن و حفظ هویت عربی و اسلامی و ...

^۱Independent Permanent Human Rights Commission.

^۲برای آشنایی با این کمیسیون به تارنمای زیر مراجعه کنید: <http://www.oic-iphrc.org/en/home>

^۳<https://www.oic-iphrc.org/en/iphrc-commissioners>.





- همکاری با جامعه بین‌المللی در وادار ساختن اسرائیل به توقف شهرک‌سازی و برچیدن دیوار نژادپرستی داخل سرزمین‌های فلسطینی از آن جمله قدس و اطراف آن، مطابق قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری. (Para. (TYPOA,2005, IX

برنامه عمل، فاقد ابتکار تازه در مورد فلسطین است. موضوعی که اساس تشکیل سازمان بوده است. برنامه فوق بر همان راه‌حل‌های ملل متحد، نقشه راه، برچیدن دیوار حایل مطابق نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری تأکید دارد که همگی راه‌حل‌هایی است که خارج از جهان اسلام اندیشیده شده است. تأکید بر هویت عربی فلسطین در این برنامه عمل، قرارداد این موضوع در سبب اختلاف عربی-اسرائیلی است؛ در حالی که موضوع فلسطین را باید موضوعی برای تمام جهان اسلام دانست. گرچه سازمان تلاش‌های متعددی در این باره به عمل آورده است و در پیوند دادن موضوع فلسطین به سازمان مطابق ماده ۲۱ منشور جدید مقرر دائمی سازمان را بیت‌المقدس شرقی در نظر گرفته است اما اقدامات ابتکاری مورد انتظار جوامع اسلامی در حل قضیه فلسطین به عمل نیامده است و بر همان راه حل‌های سازمان ملل متحد تأکید می‌شود.

۱-۱-۱-۸. اصلاح سازمان کنفرانس اسلامی

از جمله موضوعات مندرج در برنامه عمل ده‌ساله‌ی نخست، اصلاح سازمان کنفرانس اسلامی در چارچوب ذیل‌الذکر بوده است:

- تغییر نام سازمان، اصلاح ساختار، تجدیدنظر در منشور و فعالیت‌ها، به گونه‌ای که در پویایی سازمان مؤثر باشد؛ تقویت روابط با سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در کشورهای عضو.

- ایجاد سازوکار پیگیری اجرای قطعنامه‌های صادره، از طریق تأسیس یک هیأت

اجرایی (TYPOA,2005,Section I, Para X)

ایده اصلاحات در سازمان کنفرانس اسلامی، در واقع از سیزدهمین نشست وزیران خارجه در شهر نامی (۱۹۸۲) با صدور قطعنامه «اصلاحات سازمان کنفرانس اسلامی» رقم خورد. متعاقب آن، کمیته متخصصان زیر نظر دبیرکل آغاز به کار نمود و نشست‌های





متعددی را نیز برگزار کرد. روند اصلاحات در اجلاس دوره‌ای در سال ۱۹۹۷ تهران نیز قدم‌های دیگری برداشت و بر نقش سازمان در سطوح اسلامی و بین‌المللی، از آن جمله بر افزایش گفتگو بین جهان اسلام و غرب تأکید شد. اما در مجموع، آهنگ اصلاحات کند و در حد صفر بود (احسان اوغلو، ۱۳۹۲: ۷۵، ۷۲، ۶۲ و ۱۶۶)؛ تا این که این تلاش‌ها سرانجام با وجود مناقشات و اختلاف‌نظرها در نشست سران ۲۰۰۸ داکار سنگال پیش‌نویس منشور جدید سازمان را به تصویب رساند و برخی از اصلاحات مورد نظر در آن به عمل آمد. همچنین در نشست وزیران خارجه ۲۰۱۱ در شهر آستانه در قزاقستان، نام و نشان سازمان کنفرانس اسلامی به سازمان همکاری اسلامی تغییر کرد.

۱-۱-۲. چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و علمی

همکاری اقتصادی، حمایت از بانک توسعه اسلامی، همبستگی اجتماعی در رویارویی با بلاای طبیعی، حمایت از توسعه و کاهش فقر در آفریقا، آموزش عالی و علوم و فنون، حقوق زنان و نیازهای جوانان و خانواده در جهان اسلام، تبادل فرهنگی میان دولت‌های عضو، هفت برنامه‌ای هستند که برای توسعه و رفع شکاف میان کشورها در موضوعات اقتصادی اجتماعی و علمی برای کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در برنامه «عمل اول» پیش‌بینی شد. بی‌تردید، تحقق این برنامه‌ها در تضمین صلح و ثبات و جلوگیری از منازعات مؤثر است. در ادامه، به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱-۱-۲-۱. همکاری اقتصادی

- مأموریت کومسک COMCEC (کمیته دائمی برای همکاری تجاری و اقتصادی) به گسترش قلمرو تجاری میان دولت‌ها عضو...
- حمایت از تلاش‌های دول عضو برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت و هماهنگی مواضع میان دولت‌های اسلامی عضو در سازمان تجارت جهانی
- تسهیل رفت‌وآمد سرمایه‌گذاران در مرزهای دولت‌های عضو سازمان

کنفرانس اسلامی (TYPOA, 2005, Section 2, Para I)





۱-۲-۲. همبستگی اجتماعی به هنگام بلایای طبیعی

از آنجا که برخی از کشورهای اسلامی از بلایای طبیعی چون زلزله، سیل و خشکسالی و قحطی رنج می‌برند، همبستگی اجتماعی در این شرایط نیازمند عطف توجه، از جمله، به موارد ذیل است:

تأکید بر آموزه‌های دین اسلام در کمک و مساعدت به نیازمندان بدون هیچ‌گونه تبعیض. دولت‌های اسلامی باید سیاست روشنی در برابر کمک‌های انسان‌دوستانه در شرایط بلایای طبیعی اتخاذ کنند. در این باره، هماهنگی میان جمعیت‌های مدنی و سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی ضروری است. (Ibid, Section 2, Para III)

۱-۲-۳. حقوق زنان، کودکان، جوانان و خانواده در جهان اسلام

برنامه عمل ده‌ساله، به موضوعات حقوق بشر و حقوق زنان و خانواده بدین گونه توجه کرده است:

۱. توسعه قوانین به هدف فعال‌ساختن زنان در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی و حمایت از آنان در برابر هر گونه تبعیض، احترام به مقررات کنوانسیون محو انواع تبعیض علیه زنان، مطابق با ارزش‌های اسلامی
۲. توجه خاص به آموزش زنان و مبارزه با بی‌سوادی در میان آنان
۳. تسریع در تصویب معاهده بین‌المللی خاص حقوق زن در اسلام
۴. تلاش برای فراهم ساختن آموزش رایگان برای همه کودکان
۵. توسعه قوانین حمایت از کودکان و برخورداری آنان از بهداشت مناسب، اتخاذ تدابیر لازم برای محو عقب‌ماندگی کودکان و حمایت آنان از در برابر هرگونه خشونت و بهره‌کشی
۶. تشویق دولت‌های عضو به امضاء و تصویب کنوانسیون حقوق کودک در اسلام مصوب سازمان کنفرانس اسلامی، کنوانسیون ملل متحد درباره حقوق کودک و پروتکل‌های اختیاری آن و کنوانسیون محو انواع تبعیض علیه زنان و پروتکل اختیاری آن مربوط به حقوق دختران.
۷. دعوت دولت‌های عضو به حمایت و تدوین برنامه‌ها و کانون‌های جوانان

صلوات بر خاندان نبوتی
موفقیت در راه اسلام و غیره





۸. دعوت دولت‌های عضو برای مشارکت در برجسته‌ساختن این باور که در اسلام حمایت از حقوق زنان و تشویق آنان به مشارکت در همه زمینه‌های زندگی تضمین شده است. (Ibid, 2005, Section2, Para VI)

۱-۲-۴. تبادل فرهنگی و اطلاعاتی بین دولت‌های عضو

سهم رسانه‌ها و ابزارهای نوین اطلاع‌رسانی چون اینترنت و کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در تشویق و اقناع مخاطبان بر کسی پوشیده نیست. اهمیت این موضوع در برنامه عمل، به صورت همکاری دولت‌های عضو در پاسداری از تکثرگرایی و حفظ ارزش‌های امت اسلامی از طریق یک موافقت‌نامه اخلاقی پیش‌بینی شده است. کشورهای اسلامی دعوت شدند تا کانال‌های تلویزیونی خود را در تعامل با رسانه‌های بین‌المللی، چشم-اندازهای توسعه را به نفع جهان اسلام مد نظر قرار دهند. (Ibid, Para VII)

به‌طور خلاصه، برنامه عمل اول، گامی مثبت در شناسایی چالش‌ها، ترویج اعتدال و میانه‌روی، همگرایی مذاهب اسلامی، ساماندهی امور افتاء، تعامل جامعه اسلامی با جامعه بین‌المللی، توسعه سیاسی، اقتصادی و حکمرانی مطلوب در کشورهای اسلامی برداشته است. این برنامه می‌توانست گامی مهم در به‌کارگیری امکانات مادی و معنوی جهان اسلام و کم‌کردن شکاف میان کشورهای اسلامی و سطح زندگی مسلمانان بردارد که به نوبه خود تضمین‌کننده ثبات و امنیت در داخل جوامع و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. گرچه از دول عضو خواسته شد تا در نیمه دوره اجرای برنامه عمل، گزارشی از میزان تحقق آن در قلمرو خود ارائه کنند اما چنین گزارشی منتشر نشده است. در برنامه عمل اول، صلح و امنیت بین‌المللی ذیل عناوین چالش‌های سیاسی و فکری و یا اقتصادی و اجتماعی مد نظر قرار گرفته است و به‌طور مستقیم به آن پرداخته نشد. اما این موضوع در پیش‌نویس برنامه عمل دوم، در اولویت نخست جای گرفت.

۱-۲. برنامه عمل دوم ۲۰۲۵-۲۰۱۵

برنامه عمل دوم در سیزدهمین نشست سران در استانبول ۱۵-۱۴ آوریل ۲۰۱۶ نهایی شده است. پیش‌نویس آن از سال ۲۰۱۴ در دستور سازمان قرار داشت. در متن پیش‌نویس، اصلاحات پیشنهادی کشورها قابل مشاهده است. نمایندگی ایران حدود پنج‌جاه و هفت





پیشنهاد ارائه نموده است که به بخش‌های مختلف این برنامه ارتباط دارد و گویای آن است که ایران در تدوین برنامه عمل دوم، حضور فعالی داشته است. برخی از پیشنهادها ناظر به عنوان صلح و امنیت بین‌المللی بوده است. پیش‌نویس در ۷۵ بند و شش قسمت تنظیم شده بود که در نسخه نهایی با ۱۸ اولویت در دو بخش و (۷۵) بند تصویب شده است. اولویت‌های هجده‌گانه عبارتند از:

فلسطین و قدس، مبارزه با تروریسم، افراطی‌گری، خشونت افراطی، تندروری، فرقه‌گرایی و اسلام‌هراسی، اعتدال و همزیستی ادیان و فرهنگ‌ها، صلح و امنیت، محیط زیست تغییرات آب و هوایی و توسعه پایدار، کاهش فقر، تجارت و سرمایه‌گذاری، کشاورزی و امنیت غذایی، اشتغال زیرساخت‌ها و صنعتی‌شدن، علم تکنولوژی و ابتکار، آموزش، بهداشت، رفاه خانواده و تأمین اجتماعی، اقدام بشردوستانه مشترک اسلامی، حقوق بشر حاکمیت مطلوب و پاسخگویی، رسانه‌های گروهی و دیپلماسی عمومی، فناوری‌های تبلیغاتی ارتباطات و ساختارهای اطلاعاتی دیجیتال، و اصلاح ساختار سازمان همکاری اسلامی.^۱

تفاوت قابل ذکر، این است که در پیش‌نویس، صلح و امنیت همانا در اولویت نخست بود، اما در تصویب نهایی، در ردیف اولویت چهارم منظور شد و موضوع فلسطین و قدس در اولویت اول جای گرفت. برنامه «عمل دوم» با برنامه نخست شباهت‌های بسیاری دارد و می‌توان آن را تداوم برنامه اول با اندک تفاوت دانست که یکی از آنها اولویت صلح و امنیت است که در دو بند مشخص با این عبارات منعکس شده است:

«سازمان از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۶۹ همت خود را معطوف صلح جهانی، ثبات، سازگاری، امنیت و توسعه کرده است. امروزه با این که بسیاری از بحران‌ها و منازعات در جهان اسلامی وجود دارد اما سازمان کنفرانس اسلامی نقش فعالی در تحکیم صلح و





امنیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کند. بدین منظور، سازمان از ابزارهای لازم برای حل و فصل مسائل مربوط به صلح و امنیت و جلوگیری از درگیری‌ها، میانجی‌گری و حل و فصل مسالمت‌آمیز استفاده می‌کند. افزون بر این، بخش ویژه‌ای برای بالابردن ظرفیت و توانایی نیروهای سازمان همکاری در نظر گرفته شد که به افزایش مهارت‌ها در مذاکرات، نظارت بر انتخابات و دیگر زمینه‌های مربوط می‌پردازند.»

(TYPOA, 2015, Para 31, TYPOA, 2016, Para 21)

«درگیری‌های طولانی حل نشده، رشد افراطی‌گیری، اختلافات مذهبی، خشونت و تروریسم، مهم‌ترین تهدیدها برای صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی است. سازمان همکاری اسلامی به عنوان صدای جمعی جهان اسلام نقش مهمی در حل مسالمت‌آمیز و عادلانه اختلافات میان ملت‌های اسلامی از جمله فلسطینیان و اهالی کشمیر و صلح‌سازی و صلح‌بانی ایفا می‌کند. همبستگی و اخوت اسلامی، اصلی اساسی در همراهی امت اسلامی برای تلاش در تحقق منافع عمومی است. توسعه رفاه جمعیت‌ها و اقلیت‌های اسلامی در رأس برنامه‌های سازمان همکاری اسلامی برای تحکیم صلح، سازگاری و ثبات قرار دارد.

(TYPOA, 2015, Para32, TYPOA, 2016, Para 22)

همانند برنامه اول، این برنامه نیز بر اصول و اهداف محوری زیر تا سال ۲۰۲۵ تأکید دارد که دولت‌های عضو آنها را مد نظر قرار دهند: از آن جمله است؛

- همبستگی اسلامی مشارکت و همکاری،
- خودیاری کشورها در برنامه‌ها و اجرای اهداف و اصول سازمان برای تحقق برنامه

عمل

- نتیجه‌محور بودن اقدامات: اقدامات باید نتایج ملموس و مفیدی در جهت افزایش رفاه مردم در دولت‌های عضو داشته باشد و صلح و ثبات برای آنان به همراه آورد.

- حاکمیت مطلوب سیاسی و اقتصادی: در چارچوب برنامه توسعه: (پیشنهاد ایران) شفافیت و پاسخگویی حاکمیت، امری بایسته در تحقق صلح، تداوم ثبات و توسعه





اقتصادی است. پیشنهاد اول این بود که «این تلاش‌ها باید به ایجاد فضای مشارکت کامل در همه زمینه‌ها بینجامد». اما ایران پیشنهاد داد عبارت بدین صورت مقرر شود: «این تلاش‌ها باید به ایجاد فضای مشارکت بخش‌های ذی‌ربط بینجامد و چارچوب قانونگذاری و قضایی را در مبارزه با فساد فراهم آورده» و به نحو عادلانه توزیع شود.

- انعکاس خواست مردم در کشورهای عضو و اولویت سازمان همکاری در جهت رفاه مردم.

(TYPOA, 2015, Draft, Para73, TYPOA, 2016, Para56)

در پیش‌نویس برنامه دوم به تفصیل راهکارها و اقدامات سازمان در جهت صلح و امنیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پیش‌بینی شده بود که از جمله آنها تقویت مبارزه با تروریسم، خشونت، افراطی‌گری، تندروی و فرقه‌گرایی بود (TYPOA 2015, Para5.1: 28-31). اما در سند نهایی به چند بند کلی زیر به عنوان اهداف صلح و امنیت بسنده شد:

۱. تحکیم وحدت و همبستگی اسلامی در جهت تحکیم صلح، امنیت، دوستی و تفاهم در جهان اسلام و خارج آن

۲. حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف جامو و کشمیر در چارچوب قطعنامه‌های ملل متحد

۳. اخطار به ارمنستان در احترام به حاکمیت ارضی آذربایجان در محدوده‌ی شناخته‌شده بین‌المللی و خروج کامل، بی‌قید و شرط و فوری از سرزمین‌های اشغالی آذربایجان

۴. حمایت از رهبران ترک و یونانی قبرس در حل و فصل عادلانه و جامع مسئله قبرس

۵. تقویت نقش سازمان همکاری در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، پیشگیری منازعات از طریق دیپلماسی پیشگیرانه، تقویت گفتگوها و میانجی‌گری. (TYPOA, 2016, Para2.4)

با آن که این برنامه در سال ۲۰۱۶ نهایی شده است اما برای حل وضعیت‌های سوریه، یمن، بحرین که اختلافات درون میان دولت‌های اسلامی است برنامه‌ای پیش‌بینی نشده





است و تنها به عبارات کلی بسنده شده است. اما در آنجا که یکی از طرف‌های اختلاف، یک دولت غیر اسلامی است به صراحت از آن نام برده است. سکوت برنامه در برابر منازعات طولانی مدت داخلی مانند سوریه و یمن و وضعیت بحرین، سکوتی سؤال‌برانگیز است.

۲. برنامه‌های عملی، گام‌هایی در صلح مثبت و ناکامی در صلح منفی

دو برنامه عملی سازمان همکاری کنفرانس اسلامی از ۲۰۰۵ بدین سو را می‌توان نشانه‌ها و بازتاب غلبه پارادایم ملل متحد و ادبیات آن در برنامه‌های سازمان همکاری اسلامی دانست. از نظر «احسان اوغلو» دبیر کل قبلی سازمان همکاری، برنامه عمل بر اساس زمینه‌های مشترک حقوقی فیما بین اسلام و اسناد بین‌المللی در تلاش برای چارچوب‌بندی و اصلاحات در دولت‌های عضو است. به نظر وی، اصولی مانند برابری انسان‌ها، آزادی ابراز دین، حق حیات و امنیت مشترکات این دو نظام حقوقی است (Farrar, 2012: 805). بر این اساس، سازمان همکاری کنفرانس اسلامی از طریق برنامه عمل در پی توسعه‌ی آن دسته از اصول مشترکی است که سازمان ملل متحد نیز در تضمین صلح درازمدت پیش‌بینی کرده است و از آن به صلح‌سازی و صلح مثبت نیز تعبیر می‌شود.

بیانیه سیزدهمین کنفرانس سران در استانبول ترکیه در ۱۵-۱۴ آوریل ۲۰۱۶ با عنوان «وحدت و همبستگی برای عدالت و صلح» بر پیوند اصول منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل با اصول و اهداف سازمان همکاری تأکید دارد.^۱

همسویی سازمان همکاری کنفرانس اسلامی با سازمان ملل متحد، گاه این برداشت را به دنبال داشته است که سازمان همکاری، یک سازمان سکولار است و یا بدان سو پیش می‌رود؛ زیرا منشور جدید سازمان تنها در دو جا از واژه اسلامی استفاده کرده و تحت تأثیر ادبیات حاکم بر گفتمان سازمان ملل متحد است (Ibid: 793)؛ هرچند این برداشت





نادرست است. زیرا اسنادی مانند اعلامیه اسلامی حقوق بشر، میثاق حقوق کودک در اسلام و ارکانی از سازمان همکاری اسلامی مانند مجمع فقه اسلامی، دیوان عدل اسلامی بر شریعت اسلامی تصریح دارند و در منشور جدید نیز بارها بر ارزش‌های اسلامی تأکید شده است. اما این واقعیتی است که سازمان، فاقد ادبیات حقوقی مستقل با توجه به ظرفیت‌های اسلامی است و از همان ادبیات غالب حقوق بشر و حقوق بین‌الملل سکولار بهره می‌گیرد. شاید از این طریق، از یک سو به تقویت حقوق بشر در دولت‌های عضو می‌پردازد و آن را با معیارهای اسلامی سازگار جلوه می‌دهد و از سوی دیگر می‌تواند از طریق همکاری با سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی از منافع و حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی حمایت کند. (C.F: Ibid: 805)

به هر روی، فهرست کوتاه دو «برنامه عمل» نشان می‌دهد که دولت‌های عضو به خوبی ریشه‌های بحران را در سرزمین‌های خود یافته‌اند؛ وضعیت‌هایی که از آن به چالش‌های سیاسی، فکری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعبیر کرده‌اند. اولویت‌های ۱۸ گانه در برنامه دوم نیز انعکاسی از بایسته‌های اصلاح و تحول در سرزمین‌های کشورهای عضو است که تأثیر درازمدت آن بر تضمین صلح، امنیت و تداوم ثبات انکارناشدنی است.

۱. در بیانیه ۱۲ ژولای ۲۰۱۳ اتحادیه بین‌المللی آزادی‌های مدنی به سازمان امنیت و همکاری اروپا آمده است: «تنها اسناد جهانی حقوق بشر اعلامیه جهانی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. بر این اساس اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره که با عنوان حقوق بشر اسلامی مورد حمایت سازمان همکاری اسلامی است بالقوه خطرناک است. این اعلامیه از سوی حکومت دینی ایران پیشنهاد شده است و هر حقوقی را تابع حقوق اسلام و شریعت دانسته است. چنین تعریفی با تعریف حقوق ذاتی فرد و دیگر ارزش‌های اساسی در تعارض است. همانگونه که دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام کرده است شریعت با دمکراسی و حقوق بنیادین بشری در تعارض است. بر این اساس اعلامیه قاهره با تعریف معنادار حقوق بشر و با بسیاری از تعهدات سازمان همکاری و امنیت اروپا کاملاً ناسازگار است. دول عضو سازمان همکاری اسلامی باید بر عدم شناسایی اعلامیه قاهره تصریح کنند و اعتبار تفسیری آن را برای حقوق بشر از هم اکنون و در آینده، بی اثر بدانند». ر.ک:

- International Civil Liberties Alliance (ICLA) PC.SHDM.NGO/7/13, 12 July 2013 Available at: <http://www.osce.org/odihr/103560> Visited at 12 October, 2016,

۲. از آن جمله است: ماده (۱۱) و (۱۴) ماده ۱۵ و موارد دیگر





از منظر اقتصادی، دولت‌های عضو این سازمان ۷۰ درصد نفت خام جهان و ۵۰ درصد گاز طبیعی را در اختیار دارند اما شکاف اقتصادی و فاصله فقیر و غنی در آنها قابل توجه است. از میان ۴۸ کشور کمتر توسعه یافته در فهرست سازمان ملل متحد، ۲۱ کشور عضو سازمان همکاری هستند. این در حالی است که در همین سازمان، بودجه مجمع فقه اسلامی (۲،۱۰۰،۰۰۰ دلار) است که تنها قطعنامه‌های مشورتی بر اساس آموزه‌های اسلامی صادر می‌کند؛ و تأمل برانگیز است که این مبلغ از بودجه مرکز توسعه تجارت اسلامی بیشتر است. (Tadjdini, 2012: 39)

برنامه‌های عمل ده‌گانه، هرچند تلاشی برای نشان دادن تعامل اصول همبستگی اسلامی با اصول و اهداف منشور ملل متحد است و در جهت تأمین صلح و ثبات و توسعه سیاسی و اقتصادی و علمی و فرهنگی تعریف شده‌اند اما از دید رسالت این سازمان، همبستگی اسلامی و روابط دوستانه منحصر در فهرست برنامه عمل نیست.

عملکرد سازمان، به عنوان صدای جمعی جهان اسلام، در طول بیش از چهار دهه فعالیت در صلح منفی و جلوگیری و خاموش کردن منازعات میان مسلمانان و نیز حل بحران‌های طولانی‌مدتی مانند فلسطین جای مرور دارد. علاوه بر اختلاف کهنه و حل نشده - ی فلسطین که همچنان در فهرست اولویت اول برنامه دوم سازمان جای دارد، جنگ عراق با ایران و پس از آن اشغال کویت، وضعیت اخیر جنگ در عراق، سوریه، افغانستان، سومالی، لیبی، مالی، و حمله برخی دولت‌های ثروتمند عربی به یمن، و سرکوب مردم بحرین، انتقادات جدی را متوجه سازمان همکاری کرده است که بسیاری از این حوادث قطعنامه‌هایی از شورای امنیت ملل متحد را نیز به خود اختصاص داده‌اند.

در خصوص فلسطین، سازمان همکاری گرچه همواره شهرک‌سازی را رد کرده است ولی در مجموع در این باره با سازمان ملل همراه است و درباره سوریه گرچه با وجود مخالفت ایران عضویت آن را به تعلیق در آورده است اما از سال ۲۰۱۳ به بعد، سازمان همکاری، در چارچوب موازین سازمان ملل متحد، بر امور سوریه نظارت دارد (Castillo,)





18-19: 2014). بنابراین سازمان همکاری، در این بحران‌ها، فاقد ابتکار مستقل و مؤثر در سطوح اسلامی بوده است.

این سازمان در جنگ عراق علیه ایران نه تنها اقدام مؤثری به عمل نیاورد بلکه برخی دولت‌های عرب عضو آن از ادامه جنگ حمایت کردند. این در حالی است که آنان در زمان اشغال کویت توسط عراق، دورویی خود را آشکار ساختند و در اولین فرصت، عکس‌العمل نشان داد و خواستار خروج فوری عراق از این کشور شد (76-77: 1997 Hashmi). زمان حمله آمریکا و متحدانش به عراق پس از اشغال کویت، سرفرماندهی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا در قطر مستقر شد که ریاست دوره‌ای سازمان همکاری را بر عهده داشت.

با این حال، ایران پس از جنگ تحمیلی روابط خود را با سازمان بهبود بخشید و بر بودجه این سازمان افزود و در دو «برنامه عمل» حضور فعال بروز داد. اما سازمان به طور مشخص ایران را پس از حادثه منا و متعاقب آن حادثه سفارت عربستان در ایران، تحت فشار قرار داده است. بیانیه پایانی سیزدهمین نشست سران از رفتار ایران که در عالی‌ترین سطح در آن حضور داشت، ابراز تأسف کرده است و این کشور را به دخالت در امور داخلی دیگر کشورها و حمایت از تروریسم متهم کرد.^۱ افزون بر این، سازمان، حمایت از ایران را برای حضور در مجامع بین‌المللی به تعویق انداخته است؛ برای مثال، از میان ۶۱ نامزدی برای موقعیت‌های بین‌المللی، تنها برای ایران عضویت غیر دائم در شورای امنیت را برای سال‌های ۲۰۲۹-۲۰۳۰ پیشنهاد کرده است.^۲ این در حالی است که از نظر ایران، مشکل مذکور همانا ریشه در خشونت، افراطی‌گری، عدم تساهل، نابدباری و تکفیر دیگران دارد که ریشه در باورهای مذهبی و فرهنگی تعدادی از دولت‌های عضو مؤثر سازمان دارد و از آن، حمایت و پشتیبانی می‌شود و همین، یک تهدید مهم برای صلح و امنیت منطقه‌ای و در جهان اسلام است.



^۱ OIC/13TH SUMMIT 2016/FC/FINAL, Para 30-33.

^۲ http://www.oic-oci.org/oicv3/page/?p_id=178&p_ref=59&lan=en Para 19 and 31.



بحران کنونی یمن و مداخله نظامی عربستان و ائتلاف عربی علیه یمن، از نقطه نظر صلح و امنیت منطقه‌ای شایسته توجه است. این حمله، بدون مجوز شورای امنیت و با پشتیبانی اطلاعاتی و لجستیکی آمریکا در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ آغاز شد. عربستان سعودی، قطر، کویت، بحرین و امارات طی نامه‌ای مشترک به دبیرکل و رئیس شورای امنیت، اقدام حوثی‌ها را کودتا دانسته و آن را تهدید صلح و امنیت منطقه دانستند و اعلام کردند اقدامات لازم را برای برگرداندن صلح و ثبات در منطقه انجام خواهند داد. با آن که مصر، سودان، مراکش، فرانسه، کانادا نیز از سعودی و ائتلاف عربی حمایت کردند، اما در مقابل، سخنگوی اتحادیه اروپا اعلام کرد «اقدام نظامی راه حل نیست. مردم یمن قبلاً نیز در شرایط سخت زندگی بودند و آنان اولین قربانی اقدامات نظامی هستند». دبیرکل سازمان ملل متحد، موضعی روشنی اتخاذ نکرد و از همه کشورها خواست از مداخله در امور خارجی پرهیزند. تنها اعتراض شدید از سوی ایران به عمل آمد که آن را «نقض فاحش اصول اساسی حقوق بین‌الملل و اصول و اهداف منشور ملل متحد، به‌ویژه اصل خودداری از تهدید یا توسل به زور دانست». روسیه نیز خواستار قطع فوری عملیات نظامی شد و آن را فاقد وجهت بین‌المللی دانست. عراق نیز اعلام کرد مشکل یمن داخلی است و عملیات نظامی فاقد هرگونه منطق است. شورای امنیت هیچ اجازه‌ای برای عملیات ادعایی طوفان به قاطعیت صادر نکرده است؛ گرچه هیچ انتقاد صریح و یا ضمنی نیز در خصوص این عملیات به عمل نیاورده است. (Ruys Tom & Aferro Luca, 2016: 65&68-69)

این گزارش کوتاه، از مداخله مستقیم نظامی سعودی و ائتلاف عربی در یمن نشان می‌دهد این دولت‌ها با موافقت و حمایت بعضی از دولت‌های عضو دائم شورای امنیت، دست به این عملیات زدند و سازمان همکاری اسلامی اگر نگوییم با رهبری این ائتلاف هماهنگ است اما دست کم با قاطعیت باید گفت فاقد هرگونه ابتکاری بوده است. تا زمان تألیف این





مقاله، نزدیک بیست ماه است که از آغاز این عملیات می‌گذرد و همچنان حملات نظامی دولت میزبان سازمان همکاری اسلامی در یمن ادامه دارد.

مداخله نظامی در یمن از طریق ائتلاف سعودی و در سوریه از طریق جنگ‌های نیابتی، با اصول برنامه‌های عمل اعلام شده که در آن، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در چارچوب ملل متحد پیش‌بینی شده است در تعارض آشکار است و با هیچ یک از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل مانند دفاع مشروع، مداخله بر اساس دعوت و رضایت و حق تعیین سرنوشت سازگار نیست (Ibid: 97). در چگونگی حل بحران یمن و سوریه، اختلاف جدی وجود دارد و جامعه بین‌المللی صدای واحدی ندارد. شورای امنیت نیز در جهت تأمین منافع تعدادی از دول عضو، موضع صریحی در قبال عملیات نظامی یمن اتخاذ نکرده است و این به نوبه خود، کم‌رنگ کردن نقش اولیه شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را سبب می‌شود؛ زیرا این عملیات نظامی با سکوت جامعه بین‌المللی و حمایت آشکار و پنهان تعدادی از دولت‌ها انجام می‌گیرد که از خود پیشینه خطرناکی را به جای خواهند گذاشت. (Ibid: 98)

بر فرض آن که شورای امنیت ملل متحد نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد به بحران یمن و سوریه پایان دهد، پایان دادن به این شرایط بر اساس اصول اسلامی بر دوش کدام نهاد بین‌المللی سنگینی خواهد کرد؟!

در پاسخ، تنها یادآوری دوباره دو هدف از اهداف پنجگانه برنامه عمل دوم در خصوص صلح و امنیت، کافی است. این دو هدف عبارتند از:

- تحکیم وحدت و همبستگی اسلامی در جهت توسعه صلح، امنیت، دوستی و تفاهم در جهان اسلام و خارج آن.

- تقویت نقش سازمان همکاری در حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و پیشگیری از منازعات از طریق دیپلماسی پیشگیرانه، توسعه گفتگو و میانجی‌گری.





گرچه گفتگوها در چارچوب سازمان ملل متحد انجام می‌گیرد اما ادامه جنگ و نقض آشکار حقوق بشر دوستانه گفتگو و راه‌حل‌های سیاسی را دشوارتر کرده است. همان‌طور که سخنگوی اتحادیه اروپا اشاره کرد، این مردم یمن هستند که قربانیان ادامه این وضعیت- اند.

نتیجه‌گیری

نقش سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی رو به افزایش است. در این میان نقش سازمان همکاری اسلامی به عنوان صدای جمعی جهان اسلام در حفظ صلح و امنیت و نیز حل و فصل اختلافات میان دولت‌های اسلامی مورد انتظار جوامع اسلامی و نیز جامعه بین‌المللی است.

در سال‌های آغازین قرن جدید، سازمان همکاری اسلامی، دو «برنامه عمل» ده‌ساله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ و از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ به هدف رویارویی با چالش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی امت اسلامی تنظیم کرده است. این برنامه‌ها گامی مهم در شناسایی چالش‌ها، افزایش همبستگی اسلامی میان دولت‌های عضو، ترویج اعتدال و میانه‌روی، همگرایی مذاهب اسلامی، تعامل جامعه اسلامی با جامعه بین‌المللی، تقویت حقوق بشر و حکمرانی مطلوب در کشورهای اسلامی به شمار می‌آید و تأثیری مستقیم بر ایجاد صلح، امنیت، ثبات و جلوگیری از بروز منازعات خواهد داشت.

برنامه عمل دوم، با اولویت‌دادن به صلح و امنیت بین‌المللی بر حل و فصل مسألت‌آمیز اختلافات جامو و کشمیر، ارمنستان و آذربایجان و قبرس تصریح کرده است اما در خصوص منازعات میان کشورهای اسلامی و بحرانهای جاری در سوریه و یمن نامی نبرده است و تنها دو هدف کلی زیر را اعلام داشته است:

- تحکیم همبستگی اسلامی در جهت تقویت صلح، امنیت، دوستی و تفاهم در جهان اسلام و خارج آن؛





- تقویت نقش سازمان همکاری در حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، پیشگیری از منازعات از طریق دیپلماسی پیشگیرانه، توسعه گفتگو و میانجی گری.

گرچه سازمان در برنامه عمل دوم مدعی است از زمان تأسیس، همت خود را معطوف صلح جهانی، ثبات، سازگاری، امنیت و توسعه کرده است اما امروزه مهم ترین تهدیدهای کنونی صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی همانا رشد افراطی‌گیری، عدم مدارا، اختلافات مذهبی، خشونت و تروریسم است.

بدیهی است برنامه عمل، در کاغذ به تنهایی کافی نیست، بلکه به اراده مشترک به‌ویژه از سوی دولت‌های بانفوذ سازمان همکاری اسلامی نیاز دارد. برنامه‌های عمل با وجود اراده سیاسی دولت‌های عضو را در جهت اهداف همبستگی اسلامی سوق می‌دهد. کارنامه عمل سازمان این برداشت را به همراه داشته است که این اسلام است که در خدمت اهداف فوری برخی دولت‌های عضو قرار گرفته است و نه این که سازمان در خدمت اهداف همبستگی اسلامی باشد.

تا کنون گزارشی از چگونگی نظارت بر برنامه عمل و نیز گزارش کشورها از میزان پیشرفت و تحقق آن ارائه نشده است. بر این اساس، برنامه عمل‌ها در حد بیانیه و توصیه ارزیابی می‌شود. بدیهی است چنانچه با نظارت و گزارش دولت‌های عضو و یا کمیسیون مستقل و بی‌طرف همراه نباشد، تنها مرکبی است بر کاغذ. کمیسیون مستقل دایمی حقوق بشر این سازمان در صورت اصلاح ساختار و دمکراتیک شدن انتخاب اعضاء آن، می‌تواند برای نظارت بر اجرای برنامه عمل و ارزیابی آن گام‌هایی بردارد.

سازمان پس از نزدیک به پنج دهه فعالیت، اکنون به سازمان منطقه‌ای مورد نظر فصل هشتم منشور ملل متحد تبدیل شده است و در نیل به همبستگی اسلامی به مفهوم واقعی آن، به اصلاح ساختار اساسی نیاز دارد. در آخرین نشست سران ۲۰۱۶ در استانبول، بر هماهنگی اصول ملل متحد و اصول سازمان همکاری اسلامی تصریح شده است. از این طریق، بحران طولانی‌مدت و حل‌نشده‌ی فلسطین و وضعیت سوریه و یمن به ابتکارات سازمان ملل متحد





واگذار شده و سازمان همکاری اسلامی فاقد هرگونه ابتکار در سطوح اسلامی آن است. به دیگر سخن، برنامه‌های عمل سازمان همکاری در راستای صلح‌سازی ملل متحد است. اما از منظر صلح منفی و فقدان جنگ، اگر نگوییم سازمان همکاری اسلامی، خواسته و یا ناخواسته، منافع دولت‌های قدرتمند را دنبال کرده است اما دست کم فاقد ابتکار لازم و مورد انتظار جوامع اسلامی است.

منابع

۱. احسان اوغلو، اکمل‌الدین، ۱۳۹۲ش، جهان اسلام در قرن حاضر، ترجمه سیدعلی کاظمی، چ ۱، تهران، چویل.
۲. قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ سیمیر، رضا، ۱۳۹۰ش، ایران و همگرایی در سازمان همکاری اسلامی، چ ۱، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- 3- Akhtar, Shanaz. (2002). The role of the organization of the Islamic conference in political and economic cooperation of the Islamic world (1974-1994), A thesis submitted in the Bahauddin Zakariya University, Multan, Pakistan.
- 4- Castillo, Gutiérrez Luis Víctor. (2014). The Organization of Islamic Cooperation in contemporary international society, Revista electrónica de estudios internacionales (REEDI), No. 27.
- 5- Charter of the Organisation of Islamic Cooperation. (2008). Done at the city of Dakar (Republic of Senegal), 7 of Rabi Al-Awal, 1429 Hijra., 14 March 2008.
- 6- Convention of the Organization of the Islamic Conference on combating international terrorism (1999).
- 7- Farrar, Salim. (2014). The Organisation of Islamic Cooperation: Forever on the Periphery of Public International Law? 13 Chinese Journal of International Law (2014), 787-817
- 8- Hashmi, Sohail. H. (1997). State Sovereignty: Change and Persistence in International Relations, University Park, Pennsylvania State University Press.
- 9- International Civil Liberties Alliance (ICLA). (2013). PC.SHDM.NGO/7/13, 12 July 2013



- 10- OIC/SUM-13/2016/Declaration, 13th Session of the Islamic Summit Conference Istanbul, Declaration on Unity and Solidarity for Justice and Peace.
- 11- OIC/13TH SUMMIT 2016/FC/FINAL.
- 12- OIC/ Independent permanent Human Rights Commission(IPHRC), Available At: <https://www.oic-iphrc.org/en/iphrc-commissioners>
- 13- Ruys, Tom & Aferro, Luca. (2016). International and Comparative Law Quarterly, Volume 65 / Issue 01.
- 14- Sheikh Naveed(2003) The new politics of Islam : pan-Islamic policy in a world of states, Routledge.
- 15- Tadjdini, Azin. (2012). The Organisation of Islamic Cooperation and Regional Challenges to International Law and Security, Amsterdam Law Forum Vol.4.No2 (2012) Spring Issue.
- 16- Thomas, Caroline. (1985). New States, Sovereignty and Intervention, Gower.
- 17- TYPOA, (2005). Ten-Year Programme of Action to meet the challenges facing the Muslim Ummah in the 21st Century, Third Extraordinary Session of The Islamic Summit Conference, Makkah al Mukarramah - Kingdom of Saudi Arabia 5-6 dhul qa'dah 1426 H, 7-8 December 2005, Available At: <http://www.oic-oci.org/oicnew/ex-summit/english/ex-summit.htm> and <http://www.oic-oci.org/ex-summit/english/10-years-plan.htm>
- 18- TYPOA (2015) DRAFT/Rev-1 Expert Group Meeting-2015
- 19- TYPOA(2016) OIC/SUM-13/2016/POA-Final
UN Doc S/2015/217, 5

